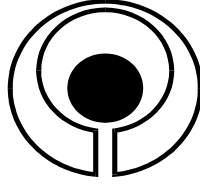


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بسمه تعالی



دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی
پایان نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد

عنوان:

**رابطه شیوه های فرزندپروری والدین و اضطراب مدرسه با توجه به متغیر خودپنداره
در دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی آموزش پذیر ۱۲ تا ۱۸ ساله شهر کرمانشاه**

نگارنده: شهاب منصوری

استاد راهنما:

دکتر معصومه پور محمد رضای تجریشی

استاد مشاور:

دکتر سید محمود میر زمانی

استاد مشاور آمار:

دکتر مسعود صالحی

سال تحصیلی ۸۹-۸۸

شماره ثبت: ۱۴۳-۴۰۰۰



دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی

دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی

نایب هیات داوران

پایان نامه: کارشناسی ارشد آقای شهاب منصوری

در رشته: روانشناسی و آموزش کودکان
استثنایی

به شماره دانشجویی: ۸۶۳۷۰۰۰۰۸

رابطه شیوه های فرزندپروری والدین و اضطراب مدرسه با توجه به متغیر خودپنداره در کودکان عقب مانده
تحت عنوان: ذهنی آموزش پذیر ۱۸-۱۲ سال شهر کرمانشاه

با حضور هیات داوران در تاریخ: ۸۸/۱۱/۱۸ دفاع گردید و نمره - ۱۹ (نوزدهم) -

با امتیاز عالی به ایشان تعلق گرفت.

هیات داوران

۱. استاد راهنما: سرکار خانم دکتر معصومه پور محمد رضای تجربی

۲. استاد مشاور: جناب آقای دکتر سید محمود میرزمانی

۳. استاد مشاور آمار: جناب آقای دکتر مسعود صالحی

۴. مدیر گروه: سرکار خانم دکتر معصومه پور محمد رضای تجربی

۵. اساتید داور: ۱. سرکار خانم نرگس ادیب سرشکی

۲. جناب آقای دکتر محمد آریا

۶. نماینده دفتر تحصیلات تکمیلی: سرکار خانم منصوره غفاری



تعهد نامه چاپ مطالب و مقالات مستخرج از پایان نامه یا رساله های دانشجویان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

با عنایت به اینکه هر گونه مقاله استخراج شده از پایان نامه یا رساله و یا چاپ و انتشار بخشی یا تمام مطالب آن
مبیین قسمتی از فعالیتهای علمی- پژوهشی دانشگاه می باشد بنابراین اینجانب **شهاب منصوری** دانش آموخته رشته
روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی متعهد می شوم که موارد ذیل را کاملاً رعایت نمایم.

۱. در صورت اقدام به چاپ هر مقاله ای از مطالب پایان نامه، خود را بعنوان دانش آموخته دانشگاه
علوم بهزیستی و توانبخشی معرفی نمایم و درج نام و آدرس محل دیگری خوداری کنم.
 ۲. در صورت اقدام به چاپ بخشی از یا تمام پایان نامه یا رساله خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به اطلاع
"انتشارات" و "دفتر تحصیلات تکمیلی" دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی برسانم.
 ۳. در صورت اقدام به چاپ پایان نامه یا رساله در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را درج نمایم:
" کتاب حاضر حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته روانشناسی و آموزش کودکان
استثنایی می باشد که در سال ۱۳۸۷ در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی به راهنمایی **سرکار
خانم دکتر معصومه پور محمد رضای تحریشی و مشاوره جناب آقای دکتر سید محمود میرزمانی**
و مشاوره آمار جناب آقای دکتر مسعود صالحی انجام و در سال ۱۳۸۸ از آن دفاع شده است."
 ۴. به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک در صد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به
انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی اهداء نمایم.
(دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد).
 ۵. در صورت عدم رعایت بند ۴، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه علوم بهزیستی و
توانبخشی، تادیه می کنم.
 ۶. قبول می نمایم و تعهد می کنم که در صورت خوداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه علوم بهزیستی و
توانبخشی می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند.
بعلاوه به دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی حق می دهم به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه معادل
وجه مذکور در بند ۵ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.
- اینجانب شهاب منصوری دانشجوی رشته روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی مقطع کارشناسی ارشد تعهد
فوق و ضمانت اجرایی آنرا بدون قید و شرط قبول می نمایم، و به انجام آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی
شهاب منصوری
امضاء و تاریخ
۱۸/۱۱/۸۷

چکیده

هدف از این پژوهش تعیین رابطه شیوه های فرزندپروری والدین و اضطراب مدرسه با توجه به متغیر خودپنداره در دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی آموزش پذیر ۱۸-۱۲ سال شهر کرمانشاه می باشد.

روش بررسی این پژوهش از نوع همبستگی است. روش نمونه گیری این پژوهش تمام شمار بود. جمعیت مورد مطالعه کلیه دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی آموزش پذیر ۱۸-۱۲ سال (۱۵۷ نفر) در شهر کرمانشاه می باشد. با توجه به ملاک های ورود به پژوهش دانش آموزانی که والدین آنها بین ۳۰ تا ۵۵ سال سن داشته و حداقل تحصیلات آنها پنجم ابتدایی بوده، وارد مطالعه شدند؛ پس از اعمال این ملاک ها تعداد ۱۲۵ نفر باقی ماندند؛ پرسشنامه خود پنداره (پیرز - هاریس، ۱۹۶۹) بر روی کلیه دانش آموزان اجرا شد سپس از میان ۱۲۵ دانش آموز موجود افرادی که نمره خودپنداره بالا و پایین داشتند به تعداد ۸۳ نفر انتخاب شدند و بعد پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳) توسط والدین دانش آموزان و پرسشنامه اضطراب مدرسه لاین هام، استریت، آبوت و رابی (۲۰۰۸) توسط معلمین آنها تکمیل شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف، همبستگی پیرسون و اسپیرمن و آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شده است.

نتایج یافته ها نشان داد که شیوه فرزند پروری مقتدرانه پدر ($P=0/002$) و مادر ($P=0/001$) رابطه منفی معنادار با اضطراب مدرسه دارد. همچنین شیوه فرزند پروری مستبدانه پدر ($P=0/009$) و مادر ($P=0/020$) رابطه مثبت معنادار با اضطراب مدرسه دارند. علاوه بر این شیوه فرزند پروری سهل گیرانه پدر ($P=0/319$) و مادر ($P=0/452$) رابطه معناداری با اضطراب مدرسه ندارند و مشخص شد که خودپنداره تأثیر معناداری بر اضطراب مدرسه دانش آموزان عقب مانده ذهنی دارد ($P=0/004$). در نتیجه مشخص شد که شیوه های فرزندپروری والدین بر اضطراب مدرسه دانش آموز اثر گذار هستند ولی خودپنداره در تعدیل اثر شیوه های فرزندپروری بر اضطراب مدرسه نقش مهمی دارد. به این معنا که دانش آموزان که خودپنداره قوی دارند کمتر از دانش آموزانی که خودپنداره ضعیف دارند، اضطراب مدرسه را تجربه می کنند. در مجموع، می توان نتیجه گرفت که شیوه های فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه بر اضطراب مدرسه کودکان اثر می گذارد و با توصیف خصوصیات این شیوه ها برای والدین می توان آنها را به سوی تعدیل شیوه های فرزندپروری رهنمون نمود. همچنین می توان با بهبود خودپنداره دانش آموزان عقب مانده ذهنی از اثرات منفی شیوه فرزندپروری بر اضطراب مدرسه جلوگیری نمود.

در واقع، نتایج این تحقیق پیشنهاد می کند که حتی اگر امکان تغییر مستقیم شیوه فرزند پروری والدین وجود نداشته باشد، با بهبود خودپنداره می توان از میزان اضطراب مدرسه دانش آموزان عقب مانده ذهنی کاست.

کلید واژه ها: شیوه های فرزندپروری، اضطراب مدرسه، خودپنداره، عقب ماندگی ذهنی

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱	مقدمه	۲
۲-۱	بیان مسئله	۵
۳-۱	اهمیت و ضرورت پژوهش	۹
۴-۱	اهداف پژوهش	۱۱
الف	هدف کلی:	۱۱
ب	اهداف اختصاصی:	۱۱
ج	اهداف کاربردی:	۱۱
۵-۱	فرضیه ها	۱۱
۶-۱	متغیرها	۱۱
۷-۱	تعاریف مفهومی و عملیاتی	۱۲
الف	تعاریف مفهومی	۱۲
ب	تعاریف عملیاتی	۱۳

فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش

۱-۲	نکات کلی	۱۵
۲-۲	بخش اول: شیوه های فرزند پروری	۱۵
۱-۲-۲	خانواده و انواع آن	۱۶
۲-۲-۲	الگوهای فرزند پروری	۱۸
۱-۲-۲-۲	شیوه فرزند پروری مستبدانه	۱۹
۲-۲-۲-۲	شیوه فرزند پروری مقتدرانه	۲۰
۳-۲-۲-۲	شیوه فرزند پروری سهل گیرانه	۲۰
۳-۲-۲	نظریه های مربوط به شیوه های فرزند پروری	۲۱
۱-۳-۲-۲	نظریه فرد گرا	۲۱
۲-۳-۲-۲	نظریه رفتارگرایی	۲۱
۳-۳-۲-۲	نظریه یادگیری اجتماعی	۲۱
۴-۳-۲-۲	نظریه شناختی	۲۲

۲۲ نظریه تعامل گرایی نمادین ۵-۳-۲-۲
۲۲ جایگاه سنی کودکان در خانواده ۴-۲-۲
۲۳ نخستین فرزند ۱-۴-۲-۲
۲۳ فرزند دوم ۲-۴-۲-۲
۲۳ فرزند میانه ۳-۴-۲-۲
۲۴ آخرین فرزند ۴-۴-۲-۲
۲۴ رفتار والدین و پیامدهای ناشی از آن ۵-۲-۲
۲۷ عوامل مؤثر بر شیوه های فرزند پروری ۶-۲-۲
۲۸ تأثیر طبقه اجتماعی و تنوعات قومی در تربیت فرزند ۷-۲-۲
۳۰ بخش دوم: خودپنداره ۳-۲
۳۲ تعاریف خود پنداره ۱-۳-۲
۳۳ اجزاء خود پنداره ۲-۳-۲
۳۵ نظریات مختلف در مورد شکل گیری خود پنداره ۳-۳-۲
۳۵ روان شناسی رشد ۱-۳-۳-۲
۳۵ تعامل نمادین ۲-۳-۳-۲
۳۶ روان شناسی پدیدار شناختی ۳-۳-۳-۲
۳۷ روان شناسی تجربی ۴-۳-۳-۲
۳۷ منابع خود پنداره و حرمت خود ۴-۳-۲
۳۸ چگونگی رشد خود پنداره و حرمت خود ۵-۳-۲
۴۱ ویژگی های خود پنداره ۶-۳-۲
۴۲ تفاوت های فرهنگی در خود پنداره ۷-۳-۲
۴۳ تفاوت های جنسیتی در خود پنداره ۸-۳-۲
۴۵ بخش سوم: مفهوم اضطراب ۴-۲
۴۶ دیدگاه های روان شناسی در مورد اضطراب ۱-۴-۲
۴۶ دیدگاه روان تحلیل گری ۱-۱-۴-۲
۴۸ دیدگاه رفتار شناسی طبیعی ۲-۱-۴-۲
۴۹ دیدگاه شناختی ۳-۱-۴-۲

۵۰	۲-۴-۱-۴. دیدگاه رفتارنگر
۵۱	۲-۴-۱-۵. دیدگاه انسان نگری
۵۱	۲-۴-۱-۶. دیدگاه هستی نگر (اصالت وجودی)
۵۲	۲-۴-۱-۷. دیدگاه گشتالت (پرلز)
۵۲	۲-۴-۱-۸. دیدگاه زیست شناسی
۵۳	۲-۴-۱-۹. دیدگاه فرهنگی - اجتماعی
۵۳	۲-۴-۲. اضطراب مدرسه
۵۴	۲-۴-۳. عوامل ایجاد کننده اضطراب در مدرسه
۵۵	۲-۴-۴. عوامل خصصیه ای موثر بر اضطراب مدرسه
۵۶	۲-۴-۵. عوامل موقعیتی موثر بر اضطراب مدرسه
۵۷	۲-۴-۶. تأثیرات اضطراب مدرسه
۵۷	۲-۴-۱-۶. تأثیرات اضطراب مدرسه بر توانایی دانش آموزان
۵۷	۲-۴-۲-۶. تأثیرات اضطراب بر یادگیری
۵۸	۲-۴-۷. شیوع اضطراب مدرسه
۵۸	۲-۴-۸. علائم و نشانه های بالینی
۵۹	۲-۴-۹. تشخیص افتراقی با فرار از مدرسه
۶۱	۲-۴-۱۰. روش های درمانی
۶۲	۲-۵. بخش چهارم: عقب ماندگی ذهنی
۶۴	۲-۶. بخش پنجم: بررسی متون
۶۴	۲-۱-۶. پژوهشهای انجام شده در خارج کشور
۶۷	۲-۲-۶. پژوهشهای انجام شده در داخل کشور

فصل سوم: روش شناسی پژوهش

۷۲	۳-۱. نکات کلی
۷۲	۳-۲. نوع مطالعه
۷۲	۳-۳. جامعه آماری و روش نمونه گیری
۷۲	۳-۱-۳. جامعه
۷۳	۳-۲-۳. نمونه آماری

۷۲ ملاک های ورود به مطالعه ۳-۳-۳
۷۳ روش جمع آوری داده ها ۴-۳
۷۳ ابزار اندازه گیری ۱-۴-۳
۷۳ مقیاس اضطراب مدرسه ۱-۴-۳-۱
۷۴ پرسشنامه خود پنداره پیرز- هاریس ۲-۴-۳-۱
۷۵ پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند ۳-۴-۳-۱
۷۵ روش اجرا ۵-۳
۷۶ روش تجزیه و تحلیل داده ها ۶-۳
۷۶ ملاحظات اخلاقی ۷-۳

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

۷۸ نکات کلی ۱-۴
۷۸ توصیف داده ها ۲-۴
۸۳ استنباط داده ها در چهارچوب فرضیه ها ۳-۴
۸۳ فرضیه ها ۱-۳-۴

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۸۸ مقدمه ۱-۵
۸۸ بحث و تفسیر یافته ها ۲-۵
۹۳ نتیجه گیری نهایی ۳-۵
۹۴ محدودیت های در دست پژوهشگر ۴-۵
۹۴ پیشنهاد های پژوهش ۵-۵
۹۵ پیشنهاد های کاربردی ۶-۵

منابع

.....	منابع فارسی
.....	منابع انگلیسی

پیوست ها

- ۱ مقیاس اضطراب مدرسه- مبتنی بر گزارش معلم
- ۲ پرسشنامه خودپنداره
- ۴ پرسشنامه شیوه های فرزندپروری
- چکیده انگلیسی
- عنوان انگلیسی

- جدول ۴-۱. توزیع نمرات خودپنداره دانش آموزان عقب مانده ذهنی ۷۹
- جدول ۴-۲. توزیع دانش آموزان عقب مانده ذهنی با توجه به سن ۸۰
- جدول ۴-۳. توزیع سن والدین دانش آموزان عقب مانده ذهنی ۸۰
- جدول ۴-۴. توزیع تحصیلات والدین دانش آموزان عقب مانده ذهنی ۸۱
- جدول ۴-۵. میانگین شیوه های فرزند پروری والدین دانش آموزان عقب مانده ذهنی ۸۲
- جدول ۴-۶. توزیع شیوه های فرزند پروری غالب والدین دانش آموزان عقب مانده ذهنی ۸۲
- جدول ۴-۷. شاخص های آماری مقیاس اضطراب مدرسه و خرده مقیاس های آن ۸۳
- جدول ۴-۸. بررسی نرمالیت (k-S) متغیرهای پژوهش ۸۳
- جدول ۴-۹. همبستگی شیوه های فرزند پروری والدین و اضطراب مدرسه ۸۴
- جدول ۴-۱۰. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس ۸۵
- جدول ۴-۱۱. همبستگی شیوه فرزند پروری مستبدانه والدین و اضطراب مدرسه ۸۶
- جدول ۴-۱۲. همبستگی شیوه فرزند پروری مقتدرانه والدین و اضطراب مدرسه ۸۶
- جدول ۴-۱۳. همبستگی شیوه فرزند پروری سهل گیرانه والدین و اضطراب مدرسه ۸۷

- شکل ۲-۱. روابط بین الگوهای تربیت فرزند و پیامدهای رشدی در کودکی و نوجوانی ۲۵
- شکل ۲-۲. یک الگوی فرضی در روابط والدین و کودک با دو بعد شیفر ۲۶
- شکل ۲-۳. مدل کانگر (تأثیرات مشکلات اقتصادی بر روابط بین اعضای خانواده) ۲۹

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

همه ما در محیطی به نام خانواده متولد و بزرگ می شویم، همچنان در ارتباط با خانواده تشکیل خانواده دیگری می دهیم؛ طبیعت اجتماعی انسان بر اثر ارتباط و تماس مستمر با دیگران بوجود می آید (شافر^۱ و کیپ^۲، ۲۰۰۷؛ نقل از گرامی، ۱۳۸۷). خانواده اولین پایه گذار شخصیت، ارزش ها و معیارهای فکری فرد است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک و خط مشی زندگی فرد در آینده دارد و اخلاق و صحت و سلامت روانی فرد تا حد زیادی در گرو آن است. واکنش کودک نسبت به محیط خود تحت تأثیر موازن اجتماعی و فرهنگی گروهی است که در آن بزرگ شده است، از آنجا که خانواده یک واحد اجتماعی است و ارزشها و معیارهای اجتماعی از طریق آن به کودک منتقل می شود، به عنوان واسطه ای بین محیط اجتماعی و کودک، اهمیت فراوانی دارد (احدی و محسنی، ۱۳۷۸).

خانواده ها نقش بسزایی در موفقیت و شکست تحصیلی فرزندان خود دارند. عموماً این ادعا مطرح است که والدین، اولین معلمان و خانواده، اولین آموزشگاه محسوب می شوند (بندروا^۳، ۲۰۰۳؛ نقل از جاودان، ۱۳۸۳). یکی از عناصر مهم در سیستم خانواده، شیوه های فرزندپروری می باشد که والدین از این طریق می توانند بر تحول کودک اثر بگذارند (چاندولا^۴ و بانوت^۵، ۲۰۰۸). شیوه های فرزندپروری عبارت است از مجموعه ای از رفتارهای به هم پیوسته که تعامل والد - کودک را روی طیف خاصی نشان می دهد و تعامل فراگیر را ایجاد می کند (مایز^۶، پتیت^۷، ۱۹۹۷؛ نقل از علیزاده و آندریس^۸، ۲۰۰۲). بامریند^۹ (۱۹۶۷) در دهه ۱۹۶۰ بین سه شیوه تربیتی یعنی شیوه های مستبدانه^{۱۰}، مقتدرانه^{۱۱} و سهل گیرانه^{۱۲} تمایز قایل شد. والدینی که از سبک تربیتی مقتدرانه استفاده می کنند از کودکان شان باعشق و عاطفه حمایت می کنند، به علاوه برای انجام رفتار مناسب و درست قوانین واضح و مشخص وجود دارد. والدینی که از شیوه فرزندپروری مستبدانه استفاده می کنند یک رویکرد تنبیهی را برای تربیت کردن اتخاذ می کنند که بیشتر شامل تهدید کردن، نکوهش کردن است و یک جانبه قوانین و دستورات را اعمال می کنند. همچنین والدینی که شیوه مستبدانه دارند معمولاً حمایت های عاطفی و مهرورزی را برای کودکانشان

1. Shaffer, D.
2. Kipp, K.
3. Bandura, A.
4. Chandola, A.
5. Bhanot, S.
6. Mize, A.
7. Pettit, G.
8. Andries, C.
9. Baumrind, D.
10. authoritarian
11. authoritative
12. permissive

فراهم نمی کنند که خصوصیت شیوه فرزندپروری مقتدرانه می باشد. سرانجام والدینی که شیوه فرزندپروری سهل گیرانه دارند معمولاً دستورهای متناقضی را اعمال می کنند (دهارت^۱، پیل هام^۲، تن نین^۳، ۲۰۰۶).

ضعف های تربیتی باعث پیامدهای منفی همچون: خودپنداره ضعیف، عملکرد تحصیلی ضعیف، و رفتارهای اجتماعی نامناسب می شود (بوفارد^۴، مارکوس^۵، ویزیو^۶ و بورد لیو^۷، ۲۰۰۳؛ نقل از جاودان، ۱۳۸۳). کودکان در هنگام تولد، احساس و ادراک معنی دار از خود ندارند، اما بتدریج و با شکل گیری ساختارهای شناختی، در تعامل با محیط و واکنش های والدین و اطرافیان، نوعی خود - آگاهی اولیه را در مورد خود رشد می دهند (بوفارد و ناتالی^۸، ۲۰۰۰؛ نقل از جاودان، ۱۳۸۳).

به عقیده هیگینز^۹ (۱۹۸۹) شیوه های فرزندپروری والدین و به ویژه نوع ارتباط یا انسجام عاطفی میان اعضای خانواده از اساسی ترین عوامل مؤثر در شکل گیری ابعاد مختلف خود به حساب می آید. ادراک از خانواده به عنوان واحدی صمیمی و حمایت کننده، رابطه قوی با برخی از جنبه های خود پنداره و برداشت مثبت از خود در دانش آموزان و سازگاری مثبت آنها با مدرسه دارد (یوسفی، ۱۳۸۶). جیمز^{۱۰} (۱۸۹۰؛ نقل از پاتو، ۱۳۸۱) خودپنداره را به عنوان ارتباط میان خود واقعی و خود ایده آل تعریف کرده است. مفهوم خود یکی از مفاهیمی است که در نظریه روان شناسی اجتماعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نظریه پردازان مفهوم خود را به عنوان دانشی که فرد از خود دارد یا افکار مربوط به خود تعریف کرده اند. این افکار و ادراکات از طریق تجربه محیطی شکل می گیرند (دهقان، ۱۳۷۹). در حقیقت خودپنداره^{۱۱} تصویری است که شخص از خودش دارد (جینگ^{۱۲}، ۲۰۰۷). خودپنداره آموختنی است و این موضوع برای فرد و برای کسانی که مسئولیت پرورش او را در اوان زندگی عهده دار هستند حائز اهمیت فراوانی است (شاملو، ۱۳۷۴؛ نقل از پاتو، ۱۳۸۱). بیشتر صاحب نظران، برخورداری از خود پنداره مثبت را به عنوان عامل اصلی و اساسی در سازگاری هیجانی - اجتماعی افراد می دانند (پاتو، ۱۳۸۱). افرادی که خودپنداره مثبت دارند رفتارشان اجتماع پسندتر از کسانی است که خودپنداره آنها منفی است (بیابانگرد، ۱۳۷۳).

1. Dehart, T.
2. Plham, B.
3. Tennen, H.
4. Boufford, V.
5. Marcoux, G.
6. Vezeau, K.
7. Bordeleau, D.
8. Nataly, N.
9. Higin, C.
10. James, W.
11. self_concept
12. Jing, H.E

علاوه بر ارتباطی که شیوه های فرزندپروری والدین با خود پنداره کودکان دارد، به نظر می رسد که این شیوه ها با بروز علائم اضطراب در کودکان نیز رابطه داشته باشد (وود^۱، ۲۰۰۳). اضطراب عبارت است از: نگرانی پیشاپیش نسبت به خطرهای یا بدبختی های آینده، توأم با احساس بی لذتی^۲ یا نشانه های بدنی و تنش. منبع خطر پیش بینی شده می تواند درونی یا بیرونی باشد (دادستان، ۱۳۸۶). یکی از انواع اضطراب هایی که کودک تجربه می کند اضطراب مدرسه است، اضطراب مدرسه اشاره به اضطرابی دارد که در مدرسه و یا موقعیت های مربوط به مدرسه برانگیخته می شود. فیلیپس^۳ (۱۹۷۸؛ نقل از کیانی نژاد، ۱۳۷۷) اضطراب مدرسه را یک واکنش منفی هیجانی می داند که در پاسخ به دو منبع تنش زای مدرسه یعنی تنیدگی های پیشرفت مانند امتحانات و موقعیت های رقابتی و تنیدگی های اجتماعی مانند تأیید یا طرد معلم بروز می نماید. نظریه های تکاملی اضطراب بیان کننده آن است که پذیرش کودکان توسط والدین، نوع کنترل و رفتارها و شیوه های تربیتی آنها با بروز علائم اضطراب در کودکان ارتباط دارد (وود، ۲۰۰۳). جو خانوادگی گرم و پذیرنده همچون سپری در مقابل آسیب های روانی از قبیل اضطراب و افسردگی، از فرد محافظت می کنند و از طرفی جو نامطلوب خانوادگی و روابط سرد و سرکوب گرانه، با خودپنداره منفی و کاهش حرمت خود^۴ و افزایش اضطراب و بروز مشکلات رفتاری رابطه دارد (برتون^۵، فیپس^۶ و کورتیس^۷، ۲۰۰۲؛ نقل از حسین چاری، دلاورپور و دهقانی، ۱۳۸۶). بر طبق مطالعه ای که جینگک (۲۰۰۷) انجام داده است، مشخص شده خودپنداره پایین در دانش آموزان باعث افزایش اضطراب آنها می شود و اثر منفی را بر روی عملکرد تحصیلی آنها می گذارد. همچنین طبق تحقیقاتی که سوت ورث^۸ (۱۹۹۲؛ نقل از سلطانی، ۱۳۷۴) انجام داده است مشخص شده که دانش آموزانی که از خودپنداره بالایی برخوردارند اضطراب مدرسه کمتری نسبت به دانش آموزانی که دارای خودپنداره پایینی هستند، دارند، ارزشی که والدین برای تحصیلات و آموزشگاه قائل می شوند، می تواند ایده ها، نگرش ها و طرز تفکر فرزندان را نسبت به توانایی تحصیلی خویش تغییر دهد و به موفقیت یا شکست منجر شود (بندروا، ۱۹۹۱؛ نقل از جاودان، ۱۳۸۳).

-
1. Wood, J.
 2. dysphoria
 3. Phillips, J.
 4. self esteem
 5. Burton, P.
 6. Phipps, S.
 7. Curtis, P.
 8. Southworth, P.

۱-۲. بیان مسئله

تأثیر خانواده بر رشد چنان بارز است که با وجود اختلاف های موجود بین صاحب نظران روان شناسی، بسیاری از آنان در زمینه اهمیت خانواده و تأثیر آن بر رشد، نقطه نظر مشترک دارند و اکثر روان شناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنشهای متقابل بین والدین و فرزندان را اساس رشد عاطفی تلقی می کند (بالبی^۱، فروید^۲، ۱۹۶۴؛ نقل از برومند نسب، ۱۳۷۳). شیوه های فرزندپروری یکی از سازه های جهانی است که بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عاملی مهم برای رشد و یادگیری کودکان به شمار می آید. پژوهش در این زمینه به لحاظ مفهومی تحت تأثیر دو چارچوب نظری قرار دارد: اول، نظریه دلبستگی که بر کارهای اولیه جان بالبی (۱۹۶۹) و کارهای آینس ورث^۳، بل هار^۴، والترز^۵ و وال^۶ (۱۹۷۸) استوار است؛ دوم، پژوهش های مربوط به ارتباط والدین با کودک که تحت تأثیر کارهای بامریند قرار دارد (بالبی، ۱۹۶۹، آینس ورث، بل هار، والترز و وال، ۱۹۷۸؛ نقل از یوسفی، ۱۳۸۶).

بامریند (۱۹۹۱؛ نقل از جواد، ۱۳۸۵) سه شیوه فرزندپروری را مطرح کرده است: شیوه مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه. این سه شیوه از نظر تعیین محدوده ها و خط مشی های استوار والدین، قدرت کنترل و حمایت عاطفی آنها که از فرزندان به عمل می آورند، تفاوت هایی با یکدیگر دارند. والدین با شیوه فرزندپروری مقتدرانه تمایل دارند قوانین را همواره با فرزندان خود روشن و تبیین کنند و کمتر بر فرمانبرداری مطلق و صرف تأکید دارند و فرزندان را به خود مختاری تشویق می کنند، همچنین شیوه مقتدرانه حاوی پاسخگویی زیاد، صمیمیت، برقراری ارتباط آزادانه و احترام به نیازهای رشد فرزند می باشد. شیوه فرزندپروری مستبدانه با تأکید بر فرمانبرداری و تمایل به پذیرش تنبیه برای برقراری نظم ارتباط دارد. والدین مستبدانه، دارای ویژگی سخت گیری زیاد و پاسخگویی کم هستند، آنها اطاعت و فرمانبرداری را یک ارزش تلقی کرده و اقدام های تنبیهی و قهرآمیز را برای کنترل اراده ترجیح می دهند. والدین سهل گیر، کمتر از کنترل آشکار و واضح بر رفتار فرزندان استفاده می کنند، حداقل تلاش را برای تربیت فرزندان خود به کار می گیرند و اجازه می دهند فرزندان خود به تنهایی تصمیم بگیرند. این والدین از سخت گیری پایین، حداقل انتظارات، پاسخگویی و صمیمیت زیاد برخوردارند (پلیرین^۷، ۲۰۰۴؛ نقل از جواد، ۱۳۸۵).

1. Bowlby, J.

2. Freud, S.

3. Ainsworth, M.D.S.

4. Blehar, M.C.

5. Walters, E.

6. Wall, S.

7. Pelirín, L.

توجه به موضوع خود پنداره برای کسانی که مسئول پرورش کودک در اوان زندگی هستند، اهمیت فراوانی دارد. هر چه را که فرد درباره خود می داند از تجارب گذشته او سر چشمه می گیرد که در میان آنها، تجارب اجتماعی در درجه اول اهمیت قرار دارد. در زمان طفولیت این تجارب اجتماعی تا اندازه زیادی منحصر به روابط خانوادگی است (شاملو، ۱۳۷۴؛ نقل از پور عبدلی، ۱۳۸۱).

در سال های اخیر روان شناسان به مسایلی که مربوط به تشکیل خودپنداره است، اهمیت زیادی داده اند. این موضوع برای روان شناسان اهمیت خاصی دارد زیرا پنداشت افراد از شخصیت خود، تا اندازه زیادی تصور او را در مورد محیطش تعیین می کند (شاملو، ۱۳۷۴؛ نقل از پور عبدلی، ۱۳۸۱). خودپنداره یا "مفهوم خود" عبارت است از احساس شخص نسبت به خویشتن و میزان ارزشمندی خود، نگرش او به وضعیت فعلی و آینده، احساسات و نگرش نسبت به حرمت خود، غرور^۱، کمرویی^۲ و احساس حقارت^۳ (احمدی، ۱۳۷۶). پذیرش و حمایت والدینی، کودک را تشویق می کند تا محدودیت های شخصی خود را کشف کند و شایستگی های خود را به ظهور برساند که برای رشد خودپنداره امری ضروری است. مطالعات تجربی اهمیت دلبستگی و گرم بودن و پذیرش والدینی را برای رشد روان شناختی کودکان توصیف کرده اند. والدینی که مهربان هستند، ارزیابی مثبتی از رفتار فرزندان به عمل می آورند و حمایت عاطفی خوبی را برای فرزندانشان فراهم می آورند؛ به کودکان احساس ارزشمند بودن را ارائه می دهند که پایه و مبنای خودپنداره است (دکوویک^۴ و میوز^۵، ۱۹۹۷؛ نقل از پور عبدلی، ۱۳۸۱).

اضطراب ناشی از تنش جزء جدایی ناپذیر تجربه و طبیعت بشر محسوب می شود (اوتون^۶، ۱۹۹۵؛ نقل از کریمی، تقوی، مهران و قلجایی، ۱۳۸۴). انواع اضطراب را براساس منشأ آنها می توان تمیز داد، مثلاً: اضطراب جدایی^۷، اضطراب بین فردی^۸، اضطراب اجتماعی^۹، اضطراب غریزی^{۱۰}. ترس و اضطراب از پدیده های شایع در میان کودکان و نوجوانان است که در طول رشد و تکامل کودک بهنجار تلقی می شود. این پدیده در هر دوره ای از رشد به شکل خاصی بروز می کند. به طور مثال در سال های اولیه زندگی عکس العمل ابتدایی نسبت به محرک هاست (مثل ترس از صدای بلند) و در دوران دبستان جای خود را به ترس از غریبه ها، حیوانات و صدمه های بدنی می دهد و در دوران مدرسه و نوجوانی تبدیل به ترس های اجتماعی و تحصیلی می شود (بابا شهابی، ۱۳۸۳).

-
- 1 . pride
 - 2 . shyness
 - 3 . inferiority feeling
 - 4 . Dekovic, U.
 - 5 . Meeus, A.
 - 6 . Oton, A.
 - 7 . separation anxiety
 - 8 . interpersonal
 - 9 . social
 - 10 . instinctual

خصوصیات والدین همانند خلق و خو، نشانه های اضطراب، الگو قرار دادن رفتارهای دلوپسی و شیوه های فرزندپروری والدین، در مشکلات اضطرابی کودک سهم دارند (براون^۱ و وایت ساید^۲، ۲۰۰۸). موریس^۳، میسترز^۴، مرکل باچ^۵ و هولسن بک^۶ (۲۰۰۰؛ نقل از براون، وایت ساید، ۲۰۰۸) مشخص کرده اند که بین عوامل محیطی خانواده و تشویش کودکان رابطه وجود دارد. شواهد زیادی به طور آشکار در مورد والدینی که کودکان خود را طرد می کنند و باعث اضطراب و نگرانی آنها می شوند گزارش شده اند. نتایج مطالعات و پژوهش ها نشان می دهد انواع اختلال های روانی از جمله اضطراب رو به افزایش است و روش های کنترل والدینی نیز در بروز آن نقش دارند (کریمی، ۱۳۸۴).

اضطرابی که در دوران تحصیل مشاهده می شود اکنون با عنوان اضطراب مدرسه شناخته می شود (کیانی نژاد، ۱۳۷۷). فیلیس (۱۹۷۸؛ نقل از کیانی نژاد، ۱۳۷۷) اضطراب مدرسه را یک واکنش منفی هیجانی می داند که در پاسخ به دو منبع تنش زای مدرسه یعنی تنیدگی های پیشرفت مانند امتحانات و موقعیت های رقابتی و تنیدگی های اجتماعی مانند تأیید یا طرد معلم بروز می نماید. لاین هام^۷، استریت^۸، آبت^۹، راپی^{۱۰} (۲۰۰۸) برای اضطراب مدرسه دو سازه قائل اند که شامل، اضطراب تعمیم یافته^{۱۱} و اضطراب اجتماعی می باشد. اختلال اضطراب تعمیم یافته غالباً اضطراب وسیع و همه جانبه ای بدون احساس خطر آشکار است که گاهی اوقات تحت عنوان اضطراب موج آزاد^{۱۲} نامیده می شود (هاوتون^{۱۳}، سالکوسکی^{۱۴}، کیرک و کلارک^{۱۵}، ۱۹۹۰؛ نقل از احدی، دلاور، آزاد، ابوالقاسمی، ۱۳۸۳). اختلال اضطراب اجتماعی^{۱۶} به ترس آشکار و پیوسته از موقعیت های اجتماعی یا عملکردی اشاره دارد و از این باور فرد ناشی می شود که او در این موقعیت ها به طرز خجالت آور یا تحقیر آمیزی عمل خواهد کرد (رینگولد^{۱۷}، هربرت^{۱۸} و فرانکلین^{۱۹}، ۲۰۰۳).

-
1. Brown, A.M.
 2. Whiteside, S.P.
 3. Muris, P.
 4. Meesters, C.
 5. Merckelbach, H.
 6. Hulslenbeck, P.
 7. Lyneham, H.
 8. Street, A.
 9. Abbott, M.
 10. Rapee, R.
 - 11: generalized
 12. free-floating anxiety
 13. Hawton, K.
 14. Sallkovskis, P.M.
 15. Clark, D.M.
 16. social anxiety disorder
 17. Rheingold, S.
 18. Herbert, H.
 19. Franklin, J

پژوهشگران رابطه شیوه های فرزندپروری را با متغیرهایی همچون پیشرفت تحصیلی (استنبرگ^۱، المن^۲ و مونتس^۳، ۱۹۸۹)، عملکرد روانی - اجتماعی (لامبرن^۴، مونتس، استنبرگ و دورنباشیچ^۵، ۱۹۹۱)، حرمت خود (لاو^۶ و لیونگ^۷، ۱۹۹۲، دهارت، پیل هام، تن نین، ۲۰۰۶)، خود کارآمدی^۸ (دوپکی^۹، ۲۰۰۰؛ نقل از یوسفی، ۱۳۸۶)، مصرف مواد مخدر (بویز^{۱۰} و آلن^{۱۱}، ۱۹۹۳)، اخلاقیات (کیم^{۱۲} و گیم گیونگ^{۱۳}، ۲۰۰۳)، شایستگی اجتماعی (بامریند، ۱۹۷۸)، یادگیری خود نظم داده شده (هانگ^{۱۴} و پرو چنر^{۱۵}، ۲۰۰۴)، استدلال اخلاقی (والکر^{۱۶} و هنیگ^{۱۷}، ۱۹۹۹) مورد بررسی قرار داده اند؛ علاوه بر آن که شیوه های فرزندپروری با خودپنداره (پاریش^{۱۸} و مک کلو سکی^{۱۹}، ۱۹۹۳، گرامی، ۱۳۸۷) و با سازه اضطراب (ویگنلی^{۲۰}، بلز^{۲۱}، چاپلند^{۲۲}، فیلیپس^{۲۳} و گارسیا^{۲۴}، ۲۰۰۵) مورد بررسی قرار گرفته، خودپنداره با اضطراب (ساکی، ۱۳۸۳، روبرس^{۲۵} و سچنیدر^{۲۶}، ۱۹۹۹) و خودپنداره با اضطراب مدرسه (سلطانی، ۱۳۷۴) در کودکان عادی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابر تحقیقاتی که در بالا به آنها اشاره شد، مشخص شده است که شیوه های فرزندپروری و خودپنداره با اضطراب رابطه دارد، بنابراین به نظر می رسد افرادی که از خودپنداره بالایی برخوردارند در مدرسه اضطراب کمتری نسبت به افرادی که دارای خودپنداره پایینی هستند، نشان می دهند (سوت ورث، ۱۹۹۲؛ نقل از سلطانی، ۱۳۷۴). با توجه به پیشینه پژوهشی، منطقی به نظر می رسد که در ارتباط بین شیوه های فرزند پروری و اضطراب مدرسه، متغیرهای واسطه ای نقش داشته باشند، یکی

-
1. Steinberg, L.
 2. Elmen, J.
 3. Mounts, N.
 4. Lamborn, S.
 5. Dornbusch, S.M.
 6. Lau, S.
 7. Leung, K.
 8. self efficiency
 9. Dopke, S.A.
 10. Boys, M.
 11. Allen, S.
 12. Kim, H.
 13. Gim Ghung, R.H.
 14. Huang, J.
 15. Prochner, L.
 16. Walker, L..J.
 17. Hennig, K.H.
 18. Parish, T.S.
 19. McCluskey, J.J.
 20. Vignoli, E.
 21. Belz, S.C.
 22. Chapeland, V.
 23. Fillips, A.D.
 24. Garcia, M.
 25. Roebbers, C.M.
 26. Schneider, W.